

| | |
|----------------------------------|------------------|
| دوتا ۳۲۷ | عهد عتیق / ۲۶ |
| | اشعیا - قسمت دوم |
| S = معلم ۲ (تدریس توسط معلم دوم) | |

(S) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه درس‌ها، فرصت خواهید یافت تا با کتاب مقدس بیشتر آشنا شوید. در برنامه امروز، قسمت دوم کتاب اشعیا را بررسی خواهیم کرد. در این برنامه خواهیم آموخت که کتاب اشعیا یک کتاب نبوتی است. همچنین نبوت‌هایی که آینده را پیش‌گویی می‌کنند، دیدگاه تاریخی نبوت‌ها، نبوت‌هایی که پیچیده و مختوم می‌شوند، و موارد مشخص تحقق نبوتها در کتاب اشعیا را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

نکته ۴. نبوت‌هایی که آینده را پیش‌گویی می‌کنند:

سؤالی که باعث می‌شود در مورد هویت نویسنده و محتوای کتاب اشعیا بین مردم اختلاف نظر وجود داشته باشد این است که: "چگونه ممکن است کسی بتواند در مورد وقایعی که تقریباً ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال بعد رخ داد چنین دقیق نبوت کند؟" اشعیا نبی بویژه در فصلهای ۴۰ تا ۶۶، در مورد تبعید بابل، کورش پادشاه پارس، پیروزی‌های کورش بر ملل مختلف، فتح بابل بدست کورش و اجازه کورش مبنی بر بازگشت یهودیان به یهودا جهت بازسازی اورشلیم و معبد، صحبت می‌کند. پاسخی که برخی می‌دهند این است که این نبوتها بعد از رخ دادن این وقایع نوشته شد.

اما تعلیم کتاب مقدس مؤکداً این است که انبیا از طریق الهام الهی و فوق‌طبیعی به پیشگویی وقایعی که صدها سال بعد اتفاق افتاد مبادرت ورزیدند. نویسنده کتاب اشعیا تماماً می‌گوید که نبوت او، پیش‌گویی وقایعی است که در آینده رخ خواهد داد. در اشعیا ۴۱: ۲۲-۲۹، اشعیا نبی را می‌بینیم که بت‌ها را به چالش می‌گیرد تا وقایع زمان آینده را پیش‌گویی کنند، اما آنها قادر به انجام چنین کاری نیستند (۴۵: ۲۱) (۴۲: ۸-۹). آنگاه اشعیا می‌گوید که خداوند اولین کسی بود که از طریق نبی خود اشعیا، پیش‌گویی کرد که پادشاه قدرتمندی بنام کورش از شرق و از شمال خواهد آمد تا امتهای را فتح نماید. اشعیا نبی در اشعیا ۴۳: ۹-۱۳ می‌گوید که خداوند تمام امتها را به چالش گرفت و از آنان خواست که بگویند در آینده چه رخ خواهد داد، اما آنها نیز نتوانستند. تنها قوم اسرائیل می‌توانست شهادت دهد که آنچه که خداوند در گذشته پیش‌گویی کرده بود برآستی اتفاق افتاده است. اشعیا نبی در اشعیا ۴۴: ۶-۸ می‌گوید که خداوند تمام موجودات را در عالم هستی و در سیطره تاریخ به چالش گرفت تا بگویند در آینده چه رخ خواهد داد، اما هیچکس چون خداوند یافت نشد. اشعیا نبی در اشعیا ۴۴: ۲۸ الی ۴۵: ۴ می‌گوید که خداوند کورش پادشاه را فرا خواهد خواند تا آنچه را که خداوند اراده کرده است که در تاریخ آینده رخ دهد، عملی سازد با آنکه خود کورش خداوند را نشناسد. کورش پادشاه به فرمان خداوند ملل بسیاری را مغلوب خواهد کرد، از جمله ملتی را که بر قوم اسرائیل در تبعید، ستم ورزیدند، و به قوم اسرائیل اجازه خواهد داد که اورشلیم و معبد را بازسازی کنند. خدا بخاطر باقی‌ماندگان ایماندار قوم اسرائیل، از کورش پادشاه به نام یاد می‌کند تا آنان بدانند که تنها خدای کتاب مقدس خداست، و تا بدانند که اراده او این است که این باقی‌ماندگان ایماندار، قوم برگزیده او باشند. در اشعیا ۴۶: ۹-۱۰، خداوند از طریق نبی خود چنین می‌فرماید: "من بارها شما را از رویدادهای آینده آگاه ساخته‌ام. زیرا تنها من خدا هستم و کسی دیگر مانند من نیست که بتواند به شما بگوید در آینده چه رخ خواهد داد. آنچه بگویم واقع خواهد شد و هر چه اراده کنم به‌انجام خواهد رسید." همچنین خداوند در اشعیا ۴۸: ۳ و ۶ از طریق نبی خود می‌گوید که او در گذشته پیشاپیش از اموری که بوقوع می‌پیوست خبر داده بود، و اکنون نیز خطاب به قوم خود امور تازه‌ای را پیش‌گویی می‌کند که از درک و فهم انسان خارج است و قطعاً در آینده رخ خواهد داد.

نکته ۵. نبوتها و دیدگاه تاریخی آنها:

اما این موضوع را که ظاهراً برخی از نبوتها پس از نابودی اورشلیم و معبد، یعنی ظاهراً در دوران تبعید بیان شده‌اند، چگونه توضیح می‌دهیم؟ بعنوان مثال، در اشعیا ۵۱: ۳ و ۵۲: ۹، از اورشلیم بعنوان مکانی مطرود و مخروبه یاد شده است. اشعیا ۴۲: ۲۲ و ۲۴ نیز از قوم اسرائیل بعنوان قومی یاد می‌کند که غارت و تاراج شده‌اند و اسیر و دربندند، و هیچکس نیست که آنان را برهاند یا به سرزمین‌شان بازگرداند. بدین ترتیب، سخن در این آیات در مورد اسرائیلی است که پیشاپیش در تبعید بسر می‌برد. اشعیا ۴۳: ۱۴ می‌گوید که خداوند کورش را خواهد فرستاد تا بابل را متصرف شود (۴۶: ۱). اشعیا ۶۶: ۸ و ۲۰ نیز در مورد بازگشت اسرائیل به اورشلیم و تولد دوباره این قوم صحبت می‌کند. در اشعیا ۴۴: ۲۶-۲۸ نیز می‌خوانیم که شهرهای یهودا، اورشلیم، و معبد دوباره بازسازی و مسکونی خواهند شد. برخی چنین پاسخ می‌دهند که این نبوتها توسط نبی دیگری بنام اشعیا دوم در دوران تبعید نوشته شده است. اما بهترین پاسخ این است که این نبوتها را متعلق به همان اشعیا نبی بدانیم. فراموش نکنیم که انبیا در کتاب مقدس از طرف خود خدا الهام می‌گرفتند، و همانطور که ملاحظه کردیم، خود خدا از طریق انبیای خود، وقایعی را که در آینده دور اتفاق می‌افتاد آشکار می‌ساخت. اشعیا نبی تحت الهام روح القدس، با چشمان روحانی خود واقعیت تاریخی را که در آینده رخ می‌داد مشاهده می‌کند. او چنان سخن می‌گوید که گویی این وقایع آینده پیشاپیش اتفاق افتاده‌اند، تا از این طریق با قطعیت کامل تأکید ورزد که این وقایع بطور حتم رخ خواهند داد. روح القدس اشعیا نبی را به زمان تبعید می‌برد، او را از وضعیت قوم در تبعید آگاه می‌سازد، و کاری می‌کند که او در عین حال که بخاطر گناهان قوم عصبانی است، خود را با سرنوشت آنان یکی می‌بیند و احساس آنان را درک می‌کند. روح القدس این توانایی را به اشعیا می‌دهد که خود را با تبعیدیان آینده یکی ببیند، و در مورد رهایی آتی آنان از سرزمین تبعید پیش‌گویی نماید. بنابراین پیش‌گویی‌های مربوط به وقایع بابل از نقطه نظر زمانی نه به دوران زندگی خود اشعیا نبی، بلکه به واقعه تبعید بابل که در زمان آینده رخ داد، مربوط می‌شوند.

نکته ۶. نبوت‌هایی که پیچیده و مختوم می‌شوند:

در اشعیا ۸: ۱۶، خداوند به نبی خود اشعیا می‌گوید: “ای شاگردان من، شما باید کلام و دستوراتی را که خدا به من داده است مَهر و موم کرده، حفظ کنید.” (در ترجمه قدیمی می‌فرماید: “شهادت را به هم ببیچ و شریعت را در شاگردانم مختوم ساز.”) در اینجا، بین توده مردم در اسرائیل که قلب خود را نسبت به خداوند سخت کرده‌اند از یک سو، و اشعیا و گروه کوچکی از ایمانداران که گرد او جمع شده‌اند از سوی دیگر، تضادی وجود دارد. منظور از شهادت، اعلام جدی مکاشفات مربوط به آینده است. شریعت نیز عبارت است از رهنمودهایی درباره اینکه چگونه باید در پرتو این مکاشفات مربوط به آینده زندگی کرد یعنی اینکه چطور انسان باید تنها به خداوند توکل داشته باشد، تنها او را بپرستد، و تنها از او اطاعت کند. منظور از به هم پیچیدن و مختوم ساختن این مکاشفات مربوط به آینده، گردآوری آنها بصورت مکتوب و حکاکی کردن محتوای آنها در قلوب شاگردان است. این شاگردان، همان کسانی هستند در میان اسرائیل که اشعیا آنان را باقی‌ماندگان می‌خواند یعنی کسانی که به خداوند وفادار می‌مانند و مطابق رومیان ۹: ۶، اسرائیل حقیقی هستند. اشعیا نبوت‌های خود را بویژه برای همین باقی‌ماندگان اسرائیل می‌نویسد. پیشگویی‌های خدا در مورد آینده اسرائیل و وعده‌هایی که به اسرائیل می‌دهد نه خطاب به ملت اسرائیل در مفهوم نژادی، بلکه مخصوص همین معدود باقی‌ماندگانی است که در اسرائیل همچنان ایمان خود را حفظ کرده‌اند. البته تردیدی نیست که اشعیا کلام خدا را خطاب به تمام مردم اسرائیل اعلام می‌کرد، اما همانطور که در اشعیا ۶: ۹-۱۰ نیز می‌خوانیم، می‌دانست که کلام خدا بر توده مردم اسرائیل تأثیری ندارد. اشعیا نبی در اشعیا ۸: ۱۷-۱۸ می‌گوید: “من برای خداوند که روی خود را از خاندان یعقوب مخفی می‌سازد انتظار کشیده، امیدوار او خواهم بود. اینک من و پسرانی که خداوند به من داده است، از جانب یهوه صباوت که در کوه صهیون ساکن است به‌جهت اسرائیل آیات و علامات هستیم.” اشعیا در واقع می‌گوید که باقی‌ماندگان ایماندار در اسرائیل، که همسر و دو پسرش را نیز شامل می‌شد، به تعبیری در دوران عهدعتیق، پیشاپیش نمونه‌ای هستند از عیسی مسیح و کلیسا، چنانکه تعلیم عبرانیان ۲: ۱۳ نیز بوضوح همین است. بنابراین کاملاً این احتمال وجود دارد که اشعیا در دوران زندگی خود نبوت‌های بسیاری به ثبت رسانده باشد، اما همه آنها را در ملاء عام اعلام نکرده باشد. احتمالاً اکثر نبوت‌ها و پیشگویی‌های اشعیا تنها در محفل شاگردانش بیان شده بود یعنی در محفل معدود باقی‌ماندگان ایماندار در اسرائیل و آنوقت این افراد به نوبه خود نبوت‌هایی را که اشعیا نوشته بود برای نسل‌های آینده در جایی امن نگاه داشتند.

نکته ۷. نبوت‌هایی که در تاریخ به تحقق می‌رسند:

وقتی مجازات و داوری خدا و نیز نجاتی که در پی آن می‌آید، بواسطه وحی مخصوص مدتها قبل از تحقق آن وقایع اعلام می‌شود، این امر ثابت می‌کند که خداوند یگانه خدای حقیقی و قادر مطلق است.

اول. تحقق نبوت‌ها ظرف مدت چند سال از زمان پیشگویی. در اشعیا ۳۷: ۲۱-۳۵ پیشگویی می‌شود که اورشلیم از طرفی فوق‌طبیعی از چنگال سنحاریب پادشاه آشور آزاد خواهد شد. سه سال بعد، فرشته خداوند در عرض یک شب ۱۸۵ هزار نفر از سربازان آشور را در اردوگاه خودشان کشت، و ارتش آشور ناگزیر به سرزمین آشور بازگشت. بدین ترتیب این نبوت برآستی تحقق یافت.

دوم. تحقق نبوت‌ها مدتها پس از مرگ اشعیا. تمام نبوت‌های اشعیا در خصوص نابودی اورشلیم و معبد، تبعید قوم به بابل، کارهای کورش پادشاه بعنوان وسیله مجازات و سپس رهایی الهی، بازگشت تبعیدیان به یهودا و ترمیم اورشلیم و معبد، همگی جزو این دسته از نبوت‌ها هستند. تمام این پیشگویی‌ها نیز برآستی تحقق یافتند. منسی پادشاه بت‌پرستی را ترویج داد و کوشید جلوی خدمت به خداوند را بگیرد. هدف از نبوت‌های مشروح و دقیقی که درباره بابل می‌شد این بود که بر نسل‌های بعدی ثابت شود که پیام اشعیا نبی برآستی از طرف خدای زنده بوده است. هدف از این نبوت‌ها این بود که نشان داده شود که خدا بر تمامی امور بشر اقتدار و احاطه کامل دارد، و اینکه آنچه در تاریخ بر تمامی ملل و نیز بر یهودا می‌گذشت نه به سبب ممالک قدرتمندی چون بابل، بلکه به سبب حکم و اراده خدای قادر مطلق است. خدا چنین اراده فرمود که قوم و عده، یعنی اسرائیل و یهودا را با فرستادن آنها به تبعید، مجازات کند. او همچنین اراده فرمود که معدود ایمانداران وفاداری را که هنوز باقی مانده بودند، از طریق کورش پادشاه نجات دهد. هیچ تحلیل‌گر سیاسی، یا هیچکس دیگری نمی‌تواند وقایعی را ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال پیش از وقوع، چنین دقیق پیش‌بینی کند. تحقق این نبوت‌ها ثابت می‌کند که خدای کتاب‌مقدس یگانه خدای حقیقی است، و اینکه او خدایی قادر مطلق است و بر همه چیز و همه افراد احاطه دارد.

سوم. تحقق نبوت‌های مربوط به مسیح موعود. تمام نبوت‌های اشعیا در مورد ظهور مسیح موعود برآستی به تحقق پیوست. این امر به مؤمنین امروزی اطمینان می‌بخشد که آنچه اشعیا در مورد بازگشت مسیح نبوت کرد نیز همگی تحقق خواهند یافت.

نکته ۸. نبوت‌های راجع به عیسی مسیح در کتاب اشعیا:

اول. نبوت‌های مربوط به آمدن عیسی مسیح به این جهان و بازگشت او. اشعیا در مورد ظهور مسیح چندین پیشگویی بسیار مهم بیان داشت. اشعیا نبی که در دوران عهدعتیق می‌زیست، واقعه آمدن عیسی مسیح به این جهان و بازگشت او را طوری دید که گویی کسی از فاصله‌ای بسیار دور به کمک تلسکوپ به یک رشته کوه نگاه می‌کند. اشعیا تنها می‌توانست ببیند که این کوه‌ها پشت سر هم قرار دارند، ولی نمی‌توانست فاصله بین آنها را تشخیص دهد. او می‌توانست ببیند که عیسی مسیح در آینده خواهد آمد، اما نمی‌توانست تشخیص دهد که مسیح دو بار به این جهان خواهد آمد و بین ظهور نخست او و بازگشت او فاصله زمانی زیادی وجود دارد.

دوم. نبوت‌هایی خاص راجع به عیسی مسیح در کتاب اشعیا. نبوت‌های راجع به تولد مسیح: در اشعیا ۹: ۶ می‌خوانیم که کودکی متولد خواهد شد. اشعیا ۷: ۱۴ نیز می‌گوید که دختری باکره پسری زاینده، او را عمانوئیل یعنی خدا با ما خواهد نامید. تحقق این پیشگویی را در متی ۱: ۲۱ شاهدیم.

نبوت‌های راجع به خانواده مسیح: اشعیا ۱۱: ۱ می‌گوید که مسیح از خاندان داود پادشاه (پسر یسی) متولد خواهد شد. تحقق این پیشگویی را در متی ۱: ۱ شاهدیم.

نبوت‌های راجع به مسیح: در اشعیا ۱۱: ۲ می‌خوانیم که روح خداوند بر مسیح قرار خواهد گرفت، و این روح، روح حکمت، فهم، مشورت، قوت، معرفت و ترس خداوند خواهد بود. تحقق این پیشگویی را در متی ۳: ۱۶-۱۷ شاهدیم. اشعیا ۶۱: ۱-۲ می‌گوید که مسیح بخاطر همین مسح بودن به روح، خبر خوش را بشارت می‌دهد، شکسته‌دلان را التیام می‌بخشد، و پیام لطف و رحمت خدا را به همگان اعلام می‌نماید. آغاز تحقق این نبوت را در لوقا ۴: ۱۴-۲۱ شاهدیم.

نبوت‌های راجع به ویژگی‌های مسیح: در اشعیا ۹: ۶، می‌خوانیم که سلطنت بر دوش مسیح خواهد بود، و او "عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی" خوانده خواهد شد. یک سلطنت بر دوش او خواهد بود: متی ۲۸: ۱۸ می‌گوید که تمام اقتدار در زمین و آسمان به مسیح داده شده است. در متی ۸ نیز می‌بینیم که چطور مسیح بر هر نوع بیماری، روح پلید، و بر تمامی نیروهای طبیعت اقتدار کامل داشت. یوحنا اسم او عجیب و مشیر خواهد بود: در متی ۷: ۲۹ می‌خوانیم که عیسی مسیح با اقتدار تعلیم می‌داد، و نه مانند علمای شریعت. در متی ۲۲: ۴۶ نیز می‌خوانیم که مشورتی که عیسی مسیح می‌داد چنان نیکو و متقاعدکننده بود که هیچکس را یارای پاسخگویی به او نبود و دیگر کسی جرئت نمی‌کرد با طرح سئوالات بیشتر بخواهد عیسی را به دام بیندازد. سه او خدای قدیر خوانده خواهد شد: در کولسیان ۱: ۱۵، پولس رسول می‌گوید که عیسی مسیح صورت مرئی خدای نادیدنی است. در کولسیان ۲: ۹ نیز می‌گوید که تمام پری خدا در مسیح ساکن است. چهار او پدر سرمدی خواهد بود: در یوحنا ۱۰: ۳۰، عیسی مسیح می‌گوید که او و پدر یک هستند. در یوحنا ۱۴: ۷-۱۰ نیز می‌خوانیم که هر که عیسی مسیح را بشناسد، خدای پدر را شناخته است. هر که عیسی مسیح را دیده باشد، خدای پدر را دیده است. عیسی مسیح در خدای پدر است و خدای پدر در عیسی مسیح. پنج او سرور سلامتی خواهد بود: در رومیان ۵: ۱، پولس می‌گوید که کسانی که بواسطه ایمان به مسیح عادل شمرده شده‌اند، با خدا در صلح و سلامتی بسر می‌برند. افسسیان ۲: ۱۲-۱۴ نیز می‌گوید مسیح تنها کسی است که می‌تواند بین مردمی که با هم دشمن هستند صلح و آشتی ایجاد کند.

نبوت‌های راجع به ساکن شدن مسیح در کفرناحوم: در اشعیا ۹: ۱-۲ می‌خوانیم که خداوند در آینده جلیل را که سرزمین امتهای است و از راه دریا در آن سوی اردن قرار دارد، محترم خواهد گرداند. همچنین در این قسمت می‌خوانیم که قومی که در تاریکی راه می‌رفتند، یعنی غیریهودیان یا همان "امتهای"، نور عظیمی خواهند دید. در متی ۴: ۱۲-۱۷ می‌خوانیم که وقتی مسیح به کفرناحوم رفت، این پیشگویی برآستی به تحقق پیوست.

نبوت‌های راجع به فروتنی و افتادگی مسیح: در اشعیا ۴۲: ۱-۴، مسیح موعود بعنوان یک بنده توصیف شده است که در کوچه و خیابان فریاد نخواهد زد، از زحمات و جفاهایی که می‌بیند مأیوس نخواهد شد، بیماران و شکسته‌دلان جهان را نومید نخواهد کرد، عدالت را در بین امتهای برقرار خواهد نمود، و امتهای بر او امید خواهند بست. تمام این پیشگویی‌ها به تحقق پیوست: مرقس ۱۰: ۴۵ می‌گوید که عیسی مسیح نیامد تا خدمت شود، بلکه تا خدمت کند. متی ۱۲: ۱۴-۲۱ نیز می‌گوید که او برای احقاق حق خود جنگ نکرد، اما کسی نیز نتوانست مانع از آن شود که او آنچه را در نظر خدا پسندیده و درست است بجا آورد: او به بیماران و نیازمندان کمک کرد، و خبر خوش را به آنان بشارت داد.

نبوت‌های راجع به درد و رنج مسیح و مرگ و قیام او: در اشعیا ۵۲: ۱۳ تا ۵۳: ۱۲ می‌خوانیم که عیسی مسیح خوار و حقیر و مطرود خواهد شد، پهلوی او بخاطر تقصیرات ما بر صلیب سوراخ خواهد شد، و بخاطر گناهان ما مجازات خواهد گردید. نیز می‌خوانیم که او را در قبر فردی ثروتمند دفن خواهند کرد، و اینکه او پس از مرگ، نور حیات را خواهد دید و بسیاری را عادل خواهد ساخت. همچنین می‌خوانیم که او بلند کرده خواهد شد و جلال خواهد یافت، و در جلال خود برای گناهکاران شفاعت خواهد کرد. تحقق تمام این پیشگویی‌ها را در اناجیل و در رسالات پولس شاهدیم.

نبوت‌های راجع به سلطنت پر جلال مسیح: در اشعیا ۱۱: ۱۰ و ۶۵: ۱ می‌خوانیم که مردم از تمام ملت‌های جهان گرد مسیح جمع خواهند شد و به صفوف او خواهند پیوست. در اشعیا ۱۱: ۳-۵ و ۳۲: ۱-۲ می‌خوانیم که مسیح در عدالت سلطنت خواهد کرد، شریبان را نابود خواهد نمود و عدل و انصاف را در حق مظلومان اجرا خواهد کرد، و قوم او نه قومی مشکل‌ساز، بلکه جزئی از راحل خواهند بود. اشعیا ۱۱: ۶-۹ و ۶۵: ۱۷ نیز آسمان و زمین جدید را توصیف می‌کند که همان تجلی نهایی ملکوت خداست.

سوم. نبوت‌های راجع به بنده خداوند: یهودیان امروزی معتقدند که منظور از بنده خداوند، ملت اسرائیل در مفهوم نژادی است. اما چنین تفسیری را نمی‌توان پذیرفت، زیرا هیچ ملتی نمی‌تواند در راه گناهان خود متحمل درد و رنج شود، بر صلیب جان دهد، یا در قبر شخصی ثروتمند مدفون گردد. تنها توضیح قانع‌کننده برای تمام این پیشگویی‌ها این است که مفهوم بنده خداوند را در هر قسمت بطور جداگانه بررسی کنیم. "بنده خداوند" در برخی آیات به کل قوم اسرائیل اشاره دارد، در برخی از آیات تنها به محدود باقی‌ماندگان ایماندار در اسرائیل اشاره می‌کند، و در برخی دیگر از آیات تنها نمایانگر خداوند ما عیسی مسیح است.

یک ملت اسرائیل بعنوان بنده خداوند. واژه بنده در اینجا بصورت مفرد بکار رفته است. در اشعیا ۴۱: ۸-۹ می‌خوانیم که برخلاف اقوام بت‌پرست که بت‌هایشان را بندگی می‌کنند، اسرائیل بنده برگزیده خداست و خدای زنده را خدمت و بندگی می‌کند. اشعیا ۴۳: ۱۰ به قوم اسرائیل یادآوری می‌کند که دعوت و وظیفه آنها این است که شاهدین خدا بر زمین باشند. اما اشعیا

۴۲: ۱۹ اسرائیل را متهم می‌کند به اینکه نسبت به سخنان خدا کر و کور است، و از این رو به تبعید فرستاده خواهد شد. اما اشعیا ۴۵: ۱-۴ وعده می‌دهد که خدا کورش پادشاه را فرا خواهد خواند تا اسرائیل را از اسارت بابل رهایی بخشد (۴۸: ۲۰). و بر اساس اشعیا ۴۴: ۱-۵، پس از نزول روح القدس بر کسانی که در اسرائیل ساکنند، غیریهودیان نیز به خدای حقیقی اسرائیل خواهند پیوست و نام "اسرائیل" را بر خود خواهند گرفت. این پیشگویی هم درباره پیوستن غیریهودیان به جمع قوم اسرائیل است، و هم به واقعه پنتیکاست و پیوستن غیریهودیان به جمع قوم جدید خدا اشاره دارد که همان کلیسا یا "اسرائیل خدا" است (غلاطیان ۶: ۱۶).

دو. باقی‌ماندگان که ایمانداران حقیقی در اسرائیل هستند بعنوان بندگان خدا. واژه بنده در اینجا بصورت جمع بکار رفته است. در اشعیا ۴۴: ۲۶، از کل انبیا بعنوان بندگان خدا یاد شده است. در اشعیا ۵۴: ۱۶-۱۷ می‌خوانیم که بندگان، فرد فرد اعضای خاندان اسرائیل را شامل می‌شوند. خداست که وقایعی را که برای آنان اتفاق می‌افتد تعیین می‌کند، نه حمله‌کنندگان یا متهم‌کنندگان‌شان. بندگان در اشعیا ۶۳: ۱۶-۱۷ کسانی هستند که خدا را پدر خود می‌دانند. همچنین در اشعیا ۶۵: ۸-۱۰ منظور از بندگان، باقی‌ماندگان برگزیده و بالیمان اسرائیل است که در تضاد آشکار با آن گروه از اسرائیلیانی قرار دارند که سرکشی ورزیده و به پرستش بت‌ها رو آورده‌اند. این باقی‌ماندگان وفادار، بذر مقدسی هستند که بصورت کنده درخت باقی مانده است (۶: ۱۳)، اما روزی شکوفا و سبز و خرم خواهد شد (۶۶: ۱۴).

سه. خداوند عیسی مسیح بعنوان بنده خداوند. در اشعیا ۴۹: ۳ می‌خوانیم که عیسی مسیح که همان مسیحای موعود است، اسرائیل حقیقی خواهد بود. خدا جلال خود را تنها از طریق او آشکار خواهد ساخت، و برنامه ابدی نجات خود را تنها از طریق او عملی خواهد نمود. در اشعیا ۴۲: ۶ و ۴۹: ۸ می‌خوانیم که عیسی مسیح، عهد و پیمانی برای اسرائیل خواهد بود. این بدان معناست که عهد و پیمان خدا با اسرائیل کاملاً در عیسی مسیح بسته و مهر و موم شده است. تمام وعده‌ها و برکاتی که به اسرائیل داده شد تنها در چهارچوب ارتباط این قوم با عیسی مسیح تحقق خواهد یافت و تجربه خواهد شد (دوم قرنیتان ۱: ۲۰). عیسی مسیح از روح القدس پر خواهد شد و عدل و انصاف را در بین تمام ملل دنیا برقرار نموده (۴۲: ۱-۷)، نور و نجات خدا را چهار گوشه زمین خواهد گسترانید (۴۹: ۱-۷). ملت‌های جهان او را خوار و حقیر خواهند شمرد و از او متنفر خواهند بود، اما سرانجام تمام پادشاهان و فرمانروایان زمین در برابر او سر فرود خواهند آورد. در اشعیا ۵۰: ۴-۱۱، خود مسیح را می‌بینیم که در مورد رنج و عذابی که متحمل خواهد شد صحبت می‌کند: مردم او را تازیانه خواهند زد، موهای صورتش را خواهند کند، او را تمسخر خواهند نمود و به رویش آب دهان خواهند انداخت، اما او تسلیم آنان نخواهد شد، زیرا خود خدا او را تبرئه خواهد کرد. در اشعیا ۵۲: ۱۳ تا ۵۳: ۱۲ می‌خوانیم که مسیحای موعود خوار و حقیر و مطرود خواهد شد، بخاطر گناهان ما پهلوی او را بر صلیب سوراخ خواهند کرد، و او را در قبر شخصی ثروتمند دفن خواهند نمود، اما او از مرگ برخاسته، به جلال آسمان صعود خواهد کرد و از آنجا برای بسیاری شفاعت خواهد نمود و بسیاری را عادل خواهد گرداند.

تکلیف برای هفته آینده

اول. در طول هفته آینده، کتاب ارمیا فصل‌های ۱ تا ۲۶ را مطالعه فرمایید. هفته آینده، قسمت اول کتاب ارمیا را بررسی خواهیم کرد.

دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش دهید .